

# تجربه‌های سپهر

شماره ۱۴ - شماره ۲  
دوره ۱۴ - شماره ۲  
آبان ۸۹

گفت‌وگو با همه برای حل مسائل همه / تجربیه و نقد تجربیه (گفت‌وگو) ۱۸ / اصغر ندیری  
انفبا از چهل منتری / تجربه ۲۰ / حویبه رزاقی  
ابراهیم اصلانی  
نسرین صیادی / ۲۲ / نسرین فیروزی  
نازنین / ۲۲ / معصومه حبیب‌پور  
حسن رضا ترابی / ۲۴ / شیدا زارعی  
۲۶ / شیدا زارعی / مقدم  
گویند می‌گویند / ۲۶ / کوهبنانی  
دکتر سید بهنام علوی / ۲۸ / محمود یحیی  
۳۱ / عصمت ابراهیمی / ۳۲ / محمود یحیی  
روابط و اثر گانی / ۳۱ / عصمت ابراهیمی / ۳۲ / محمود یحیی  
تلفیق به لهجه‌ی بهبهان / ۳۱ / عصمت ابراهیمی / ۳۲ / محمود یحیی  
از هفت خوان رستم تا هفت خوان شجاعت / ۳۲ / حسن رضا ترابی / ۳۴ / شیدا زارعی / مقدم  
از هفت خوان رستم تا هفت خوان شجاعت / ۳۴ / حسن رضا ترابی / ۳۶ / شیدا زارعی / مقدم  
دیوارها سخن می‌گویند / ۳۶ / شیدا زارعی / مقدم  
تلفیق به لهجه‌ی بهبهان / ۳۶ / شیدا زارعی / مقدم  
کوهبنانی / ۳۲ / محمود یحیی / ۳۲ / محمود یحیی

از در کلاس همه نباید به سادگی گذشت  
یک در خواست، یک اتفاق، یک مصالح  
استفاده از مصالح فرهنگی در دسترس!



# الفبا از چهل متری

گفت و گو با ایرج ناسوتی، آموزگار روستای آزادمون درباره‌ی شیوه‌ی آموزش ایما و اشاره

اصغر ندیری

عکس: رضا بهرامی

## اشاره

تصور کلاسی تقریباً بی‌صدا در دبستان، محال می‌نماید؛ آن‌هم برای آموزش بچه‌هایی که سرشار از سؤال، هیجان و کلام هستند. نه، اشتباه نشود. این نوع آموزش، خاص مدرسه‌های استثنایی نیست، بلکه شیوه‌ای نمایشی است در یاد دادن نشانه‌ها، حروف و کلمات به دانش‌آموزان پایه‌ی اول. آقای ایرج ناسوتی، آموزگار پایه‌ی اول دبستان شهید رجایی روستای آزادمون از توابع محمودآباد آمل، ۲۸ سال سابقه‌ی کار دارد که از آن مدت، بیش از ۲۲ سال را به فعالیت با کلاس اولی‌ها گذرانده است. این کارشناس آموزش ابتدایی هنوز پرجنب و جوش است و می‌گوید، می‌توانم بی‌آن که حرف بزیم، از فاصله‌ی ۴۰ متری و با حرکات دست و ایما و اشاره‌ی سریع، به بچه‌ها املا بگویم. گفت‌وگوی این آموزگار پیشکسوت را با خبرنگار مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی در پی می‌آوریم.

○ حروف، مثلاً حرف «آ» را چگونه به کودک کلاس اولی معرفی می‌کنید؟

□ در واقع آبان‌ماه هر سال، هنگام شروع اصل کار ماست. از مهرماه شروع کرده‌ایم و وقتی در آبان به حرف مورد نظر مثل «آ» می‌رسیم، دیگر مشکلی نیست.

○ بنابر توضیحاتی که دادید، شما از هنر نمایش و تئاتر به خوبی استفاده می‌کنید؟

□ همین‌طور است. اصل ماندگاری و به‌یادسپاری مطالب هم به دلیل اجرای نمایش و خواندن شعر یا قطعه‌هایی است که برای معرفی هر حرف یا نشانه ساخته‌ام.

برای مثال، همین حرف «آ» را می‌گوییم که داستانش نکات اخلاقی هم دارد. برای دانش‌آموزان، داستان پسرک دوچرخه‌سواری را تعریف می‌کنم که در اثر بی‌احتیاطی و گوش ندادن به حرف بزرگ‌ترها، در هوای بارانی و در زمین گل‌آلود که به محیط زندگی ما هم شباهت دارد سرش به زمین یا تیر چراغ برخورد کرده و آن لحظه گفته است: «آخ».

پس شکل «آ» را روی کاغذ کشیدم و داستان را به‌صورت آهنگین خواندم: سر محکم خورد/ به تیر کوچه‌ها/ داد کشید و گفت / آ، آ، آخ. و هم‌زمان صاف می‌ایستم و دست راستم را روی سرم می‌گذارم، به

○ آیا شیوه‌ی آموزش اشاره‌ای شما با آموزش ناشنویان تفاوتی دارد؟

□ ناشنویان لب‌خوانی می‌کنند و الفبای خاص خود را دارند، اما من با ۳۶ حرکت ابداعی خودم، تمام حروف الفبا و نشانه‌ها را به بچه‌ها یاد داده‌ام. در اوایل سال، مدتی وقت صرف یادگیری این حرکات کرده‌ایم. بچه‌ها با کنار هم گذاشتن این حرکات که من معمولاً با دست انجام می‌دهم و از راه تداعی، آن حرف یا کلمه‌ی خاص را به یاد می‌آورند.

○ آیا این شیوه را فقط با دانش‌آموزان پایه‌ی اول تمرین می‌کنید؟

□ بله. بچه‌ها در این پایه آمادگی یادگیری خوبی دارند و نوشتن را هم می‌آموزند. اما با پیش‌دبستانی‌ها نیز می‌توان به‌نحوی دیگر این‌ها را کار کرد.

○ آیا کسانی ابراز تمایل کرده‌اند که شیوه‌ی شما را بیاموزند و در کلاس خود به کار بندند؟

□ با توجه به نمایشی بودن شیوه و این که می‌شود آن را با تغییرات جزئی در پیش‌دبستان‌ها اجرا کرد، چند نفر از مربیان نزد خودم آموزش دیده‌اند؛ به این صورت که شکل صداها و حروف را نشان دهند. به این ترتیب، دانش‌آموز در پایه‌ی اول آمادگی بیش‌تری برای یادگیری و نوشتن الفبا پیدا می‌کند.



نشانه‌ی مد روی الف. چندبار که تکرار کنیم، این آموزش شاد و نمایش در ذهن بچه‌ها جای‌گزین می‌شود. بقیه‌ی حروف نیز به همین گونه با شعر و نمایش آموخته می‌شود.

○ هرچند توضیح دادن شیوه‌ی نمایشی شما به صورت مکتوب برای خوانندگان دشوار است، اما مثلاً درباره‌ی حرف «ب» چه می‌کنید؟

□ حرف «ب» داستان کودکی است که تازه زبان باز کرده است و «آب» می‌خواهد. پس به حالت گریه می‌گوید: «ب، ب، ب» و خود را تکان می‌دهد. این‌جا باز هم از تداعی و حالت لرزانی که کودک در حال گفتن «آب» دارد، استفاده می‌کنم و درواقع به دو هدف می‌رسم: آموزش «ب» و آموزش ترکیبی «آ» و «ب» که «آب» می‌شود.

○ چه طور شد که به فکر ابداع الفبای نمایشی افتادید؟

□ به نظر من، روش کتاب به تنهایی کافی نیست و زمان می‌برد. روش من، به اعتراف آن‌ها که آن را دیده یا به کار برده‌اند، به آموزش سرعت می‌بخشد و می‌تواند حتی در آمادگی‌ها به کار رود. به همین دلایل و آشنایی با فعالیت‌های نمایشی، به فکر ابداع این شیوه افتادم و از ۱۰ سال پیش، با تکمیل آن، در حال اجرایش هستم.

## شعر اعداد

ناسوتی، شعرگونه‌های خوبی تنظیم می‌کند. هرچند ممکن است وزن آن‌ها اندکی قابل قبول نباشد، ولی برای رساندن معنا کافی است. یکی دیگر از ابداعات او، آموزش اعداد به زبان شعر است. چون بچه‌ها کلام ریتمیک را دوست دارند، می‌شود به این طریق به اهداف یادگیری دست یافت. شعر اعداد از ۱ تا ۹ را می‌توان در پایه‌ی اول و حتی آمادگی‌ها خواند:

وقتی که یک بود، در خانه تنها  
 دو شاد و خندان، آمد به آن‌جا  
 از ره درآمد، سه با محبت  
 بودند آن‌ها، سرگرم صحبت  
 یک و دو و سه، خوش حال بودند  
 چهار و پنج با هم، در را گشودند  
 شش و هفت و هشت، شادان رسیدند  
 نه را که دیدند، از جا پریدند



# گفت‌وگو با هم برای حل مسائل هم!

حوریه رزاقی

آموزگار دبستان ستوده، منطقه‌ی ۳ تهران

نگاهی به تجربه‌ی یک آموزگار در یاری گرفتن از بچه‌ها برای حل مسائل کلاسی

## اشاره

آن چه در پی می‌آید، تجربه‌ی یک آموزگار برای حل مسائل کلاسی خود است. طبق رویه‌ای که از سال قبل شروع کرده‌ایم، برخی از نوشته‌های تجربی همکاران را با بحثی کارشناسی همراه می‌کنیم. این بار هم روش به کار رفته توسط خانم رزاقی، توسط یکی از اعضای شورای برنامه‌ریزی مجله که دانش آموخته‌ی رشته‌ی روان‌شناسی تربیتی است، مورد تحلیل قرار گرفته و در کنار نوشته‌ی ایشان آمده‌است. ابتدا تجربه و سپس نظر تحلیل کارشناسی مرتبط با آن را در پی درج می‌کنیم.

سکوت کرد. ناگهان فکری مثل جرقه از ذهن عبور کرد. گفتم: «بچه‌ها، من سؤالی مطرح می‌کنم که مسئله‌ی همه‌ی ماست. دلم می‌خواهد شما با پاسخ دادن به آن، به حل مسئله کمک کنید.» سپس روی تخته نوشتم: به نظر شما، چرا سعیده در گفت‌وگوهای کلاسی شرکت نمی‌کند؟ سعیده یکه خورد، ولی هم چنان ساکت به من نگاه می‌کرد. بچه‌ها شروع کردند به نظر دادن. من حرف‌های آن‌ها را روی تخته می‌نوشتم. در ضمن، از سعیده هم خواستم درباره‌ی درستی و نادرستی نظرهای بچه‌ها پاسخ دهد. بچه‌ها نظرات گوناگونی داشتند مانند این که:

- شاید سعیده کم‌رو است.
- شاید حوصله‌ی حرف زدن ندارد.
- شاید ما (دوستانش) را دوست نداشته باشد.
- ممکن است مدرسه‌اش را دوست نداشته باشد.
- شاید (از خانم معلم) خوشش نمی‌آید.
- شاید تنبل است.
- شاید می‌ترسد حرف بزند.

هم چنان که من حرف‌های بچه‌ها را روی تخته می‌نوشتم، سعیده با نگاهش نشان می‌داد که هیچ کدام از آن‌ها را قبول ندارد، تا این که یکی از بچه‌ها گفت: شاید سعیده مسخره شده باشد. چون وقتی کلاس اول بودیم، یک روز سعیده درباره‌ی

آن روز وقتی وارد کلاس شدم، بچه‌ها با شادی و سروصدا به استقبال آمدند. با گرمی آن‌ها را پذیرفتم، ولی سعیده، دختر همیشه ساکت کلاس، باز هم خاموش سر جای خود نشسته بود و هیچ عکس‌العملی نداشت. مثل همیشه، نگاه من روی او ثابت ماند و باز به فکر فرو رفتم. مدت‌ها بود این اندیشه ذهن مرا به خود مشغول کرده بود که چگونه می‌توان این دخترک خاموش را به شادی و تحرک واداشت.

اولین ساعت آن روز، درس جمله‌سازی داشتیم و قرار بود بچه‌ها با کلمه‌ی «دوست» جمله بسازند. هر یک از بچه‌ها جمله‌ای درست می‌کرد و می‌گفت: من هم آن‌ها را روی تخته‌ی کلاس می‌نوشتم. در جمله‌های بچه‌ها یک ویژگی از خصوصیات دوست بیان می‌شد. به این ترتیب، خصوصیات متفاوتی از دوست مطرح شد.

در این میان، سعیده هم چنان ساکت بود و مثل همیشه در بحث و گفت‌وگو شرکت نمی‌کرد. از او خواستم جمله‌اش را بخواند، ولی باز



تصویرگر: ندا عظیمی



موضوعی صحبت کرد. چون حرفش بی‌ربط بود، همه‌ی ما خندیدیم و یکی از بچه‌ها هم او را مسخره کرد...

ناگهان سعیده به حرف آمد و با هیجان گفت: «بله خانم، درست است. ما همه کلاس اول بودیم. یک روز زنگ علوم، من جواب یک سؤال را بر عکس گفتم. همه‌ی بچه‌ها به من خندیدند.»؟ باز هم ادامه داد: «من از آن موقع که دیدم بعضی بچه‌ها دوستانشان را دست می‌اندازند و مسخره می‌کنند، تصمیم گرفتم دیگر حرف نزنم تا کسی هم مسخره‌ام نکند.»

بعد از صحبت‌های سعیده، مدتی سکوت بر کلاس حکم فرما بود. بچه‌ها با شنیدن حرف‌های او احساس شرمندگی می‌کردند، چون فکر نمی‌کردند رفتار دو سال قبل آن‌ها که از روی بی‌توجهی صورت گرفته بود، آن قدر در روحیه‌ی دوستانشان اثر گذاشته باشد. از فرصت استفاده

کردم و گفتم، بچه‌ها، به نظر شما می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین صفات دوست آن است که هرگز دوستش را مسخره نکند؟ همه‌ی بچه‌ها با صدای بلند حرف مرا تأیید کردند؛ گویی می‌خواستند با این تأیید به سعیده نشان دهند که از کار گذشته‌شان پشیمان هستند و می‌خواهند از این به بعد دوستان خوبی برای او باشند.

بعد از طرح این صحبت‌ها در کلاس، آرامش خاصی در چهره‌ی سعیده که قبل از آن همیشه غمگین می‌نمود، مشاهده شد.

از آن روز به بعد، سعیده کم‌کم از انزوا و سکوت بیرون آمد و در کلاس به دختری فعال تبدیل شد. بچه‌ها هم سعی کردند رفتار گذشته‌شان را جبران کنند. این تجربه باز هم به من نشان داد که یاری گرفتن از بچه‌ها برای حل مسئله‌ی خودشان، خیلی وقت‌ها بهترین راه‌حل مشکلات است.

# کمی احتیاط کنید

تحلیلی بر تجربه‌ی خانم حوریه رزاقی

ابراهیم اصلانی

- دکتر علی‌اکبر شعاری‌نژاد در کتاب «روان‌شناسی تربیت و تدریس»، برای معلم هفت نقش در نظر می‌گیرد:
۱. متخصص آموزشی است.
  ۲. محرک است.
  ۳. مدیر است.
  ۴. رهبر است.
  ۵. مشاور است.
  ۶. مهندس محیط است.
  ۷. سرمشق است.
- نکته‌ای که من در این‌جا با آن کار دارم، نقش مشاوره‌ای معلم است. از معلم انتظار نداریم کار مشاور را انجام دهد، اما از او انتظار داریم که مشاهده‌گر حساس رفتار دانش‌آموزان باشد و بداند آن‌ها با چه مسائل عاطفی مواجه‌اند.
- تجربه‌ی خانم رزاقی را در دو بخش می‌توان تحلیل کرد:
- اول:** این‌که معلمی از آغاز ورود به کلاس، رفتار دانش‌آموزان را زیر نظر بگیرد و مسائل آنان را تشخیص دهد، نکته‌ی بسیار مثبتی است. حساس بودن در برابر مسائل

## منبعی برای مطالعه‌ی بیشتر

برای آگاهی یافتن از روش علمی گفت‌وگوهای کلاسی دانش‌آموزان برای حل مسائل خود و کلاس، به کتاب «انضباط مثبت در کلاس درس» که روش نشست‌های کلاسی براساس هوش هیجانی و مهارت‌های زندگی را مطرح می‌کند، مراجعه فرمایید. این کتاب توسط دکتر غلامرضا حسین‌نژاد از انگلیسی به فارسی ترجمه شده و نشر امروز (۸۸۳۴۵۲۱۷) در تهران آن را منتشر کرده است.

# از هفت خوان رستم تا هفت خوان شجاعت

نازنین فیروزی

آموزگار دبستان نیلوفران، تربت‌جام تهران

مراحل گوناگون تولید کتاب هفت‌خوان رستم دیدم، احساس کردم فرصت مناسبی است تا برخی از خصوصیات اخلاقی را که در سنین ابتدایی نیاز به تقویت دارد، به شکل «هفت‌خوان شجاعت من»، برایشان مطرح کنم. توضیح دادم، برای این که انسانی شجاع باشیم، نیاز نیست که حتماً با دیگران درگیر شویم و آن‌ها را در مبارزه شکست دهیم، بلکه با رعایت برخی از مسائل اخلاقی نیز می‌توانیم شجاع باشیم. سپس درباره‌ی هر خوان توضیحاتی دادم. دانش‌آموزان برداشت‌ها و نظرات خود را راجع به آن بخش نوشتند و تصاویری هم برایش کشیدند. به این ترتیب، توانستم چند هدف مهم را در کلاسم تحقق بخشم که عبارت بودند از:

- آشنایی با میراث فرهنگی
- ایجاد حس علاقه در دانش‌آموزان نسبت به آشنایی با تاریخ و پیشینه‌ی فرهنگی کشور
- آشنایی با صفات پسندیده‌ی اخلاقی و تقویت آن‌ها
- توسعه‌ی سواد خواندن
- گسترش دایره‌ی لغات
- تقویت مهارت شنیدن و به خاطر سپردن

و از همه مهم‌تر، اکنون دانش‌آموزان من می‌دانند که با عزم، اراده و توکل به خدا، می‌توانند هر کار سختی را انجام دهند.

آشنایی با میراث فرهنگی کشور و ایجاد علاقه نسبت به پیشینه‌ی غنی فرهنگی ایران سربلند در دانش‌آموزان، یکی از اهداف دروس کتاب فارسی است. از این‌رو، به منظور تحقق این هدف و با محوریت توسعه‌ی سواد خواندن، افزایش دایره‌ی لغات و ایجاد زمینه‌ی مناسب در دانش‌آموزان برای مطالعه‌ی بیشتر درباره‌ی آثار هنری و میراث فرهنگی کشورمان، پس از تدریس درس فردوسی در کتاب فارسی (بخوانیم) کلاس دوم، تصمیم گرفتم یکی از داستان‌های شاه‌نامه را با بچه‌ها کار کنم.

## نحوه‌ی اجرا

داستان هفت‌خوان رستم را که نشان دهنده‌ی سه عنصر عزم، اراده و توکل به خداست، انتخاب کردم. تصاویر مربوط به هر خوان را در اختیار دانش‌آموزان قرار دادم (تصاویر از کتابی با همین عنوان انتخاب شد). هر روز داستان یک خوان را برای بچه‌ها تعریف کردم و از آن‌ها خواستم برداشت خود را از هر داستان به صورت خلاصه بنویسند و تصویر آن را نقاشی کنند. به این ترتیب، هر دانش‌آموز کلاس، یک کتاب هفت‌خوان رستم درست کرد. این فعالیت با استقبال فراوان اولیا نیز مواجه شد.

## تعمیم طرح

پس از آن که اشتیاق بچه‌ها را در

دانش‌آموزان و کلاس، از رموز موفقیت معلمی است؛ البته حساسیتی که منطقی و آگاهانه باشد.

حساسیت بر مشاهده‌ی دقیق مبتنی است؛ یعنی هر چه معلمی مشاهده‌گر ماهر باشد، سطح حساسیت او بالاتر خواهد بود. مرور خاطره‌ی این معلم نشان می‌دهد که وی مشاهده‌گر و حساس است.

دوم: مشاوره، کاری تخصصی است و هر گونه اقدام مشاوره‌ای، منوط به تسلط بر فنون و روش‌هاست. در مواردی که معلم وجود مشکلی را در دانش‌آموزی تشخیص می‌دهد، وظیفه‌ی او می‌تواند بررسی موضوع به صورت فردی و خصوصی و ارائه‌ی راهنمایی باشد.

کشیدن پای دانش‌آموزان دیگر به موضوعی شخصی، اگر چه به ظاهر در این تجربه ثمربخش بوده، ولی در برخی مواقع شاید وضعیت را بدتر کند. وقتی شما در جمع دانش‌آموزان، موضوعی را به صورت عمومی مطرح می‌کنید، باید به اندازه‌ی بر فنون مشاوره مسلط باشید که بتوانید از پس جمع و جور کردن آن برآیید. اگر فاقد چنین مهارت‌هایی هستید، بهتر است کمی احتیاط کنید.

فراموش نکنید، گاهی بعضی اتفاق‌ها کافی است فقط یک بار روی دهد. اگر در همین تجربه، یکی از دانش‌آموزان نکته‌ای ناگفتنی یا توهین‌آمیز می‌گفت، چه بسا نه تنها اوضاع به هم می‌ریخت، بلکه دانش‌آموز مورد نظر (سعیده) هم در وضعیت بسیار بدی قرار می‌گرفت.

ورود به حیطه‌ی مسائل عاطفی و تلاش برای حل مشکلات، حرکت بر لبه‌ی تیغ است. حتی اگر هر کدام از ما مواردی از تجربه‌های موفق در این باره داشته باشیم، دلیلی بر آن نیست که از روش درستی استفاده کرده‌ایم. برای حل مشکلاتی از قبیل آن چه در این تجربه آمده است، راه‌های کم هزینه و ساده‌تری وجود دارد.

# آن روش استثنایی در جایزه دادن...

خاطره از کودکی یک آموزگار در نقد یک روش تربیتی



نسرین صیادی

آموزگار دبستان اندیشه، منطقه ۱۳ تهران

از گذشت سالیان سال از این ماجرا، هنوز هم در بعضی موارد، شاهد این گونه تشویق‌های ناصحیح هستیم و می‌بینیم که به هزار و یک دلیل، جوایز ناهماهنگ و نامتعارفی توسط اولیا تهیه و در اختیار بچه‌ها قرار می‌گیرد (البته به تصور بچه‌ها از طرف مدرسه). امیدوارم این روش تشویق ناهماهنگ که به نظر می‌رسد ریشه در ناآگاهی گردانندگان برخی مدرسه‌ها از اصول اولیه‌ی تعلیم و تربیت دارد و نیز ناشی از برخی تنگناهای اقتصادی است، از بین برود.

\* پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، به مدرسه‌های غیر دولتی اطلاق می‌شد.

است، اما آموزگار اسم آسیه کریمی را خواند. بعد از آن، یک آدم آهنی زیبا را نشان داد. باز هم دخترک دلش لرزید و گفت حتماً این یکی مال من است، ولی آموزگار این بار اسم توج را خواند. پس از آن، یک عروسک زیبا و ... با هر جایزه‌ای، دخترک منتظر شنیدن اسم خودش بود تا این که بالاخره آموزگار کادویی کوچک و معمولی را نشان داد و اسم دخترک را خواند: نسرین صیادی. دخترک وقتی جایزه را گرفت، یک دفتر ۱۰۰ برگ و یک بسته ماژیک معمولی در آن یافت.

بعد از آن، همیشه این سؤال در ذهن دخترک وجود داشت که چرا با این که نمرات و رفتارش در کلاس بهتر از آسیه، توج، نرگس و ... بود، ولی جایزه‌ی آن‌ها از جایزه‌ی او بهتر و حتی بزرگ‌تر و گران قیمت‌تر بود؟ تا این که دختر بزرگ شد. اول مادر و بعد معلم شد و پس از سال‌ها جواب سؤالش را گرفت. پس

دخترک در کلاس اول ابتدایی درس می‌خواند و به تأیید معلمش، از نظر درسی و رفتاری، جزو یکی از بهترین دانش‌آموزان کلاس بود. مدرسه‌ای که دخترک در آن درس می‌خواند، یک مدرسه‌ی ملی بود\*. دختر و پسر به صورت مختلط در یک کلاس درس می‌خواندند، یک طرف دخترها می‌نشستند و طرف دیگر پسرها. امتحانات برگزار شده بود و قرار بود به بچه‌های ممتاز و برتر کلاس جوایزی اهدا شود. بچه‌ها بی‌صبرانه منتظر روز اهدای جوایز بودند و بالاخره روز موعود فرار رسید.

آموزگار جعبه‌ی بزرگی را همراه خود به کلاس آورد و روی میزش قرار داد. درون جعبه، جوایز متنوعی قرار داشت. آموزگار یکی یکی جوایز را بیرون می‌آورد. یک پیراهن زیبایی دخترانه را نشان داد. دخترک دلش لرزید و با خودش گفت، حتماً این مال من



# از در کلاس هم نباید به سادگی گذشت...

معصومه حبیب پور

عکس: رضا بهرامی

آشنایی با خلاقیت یک آموزگار در بهره‌گیری مناسب از فضا

اشاره

باور آموزگاران به تلاش، بر مبنای دیدگاه و شور خدمت‌رسانی آن‌هاست. امسال نیز بر پایه‌ی شعار «همت مضاعف، کار مضاعف» مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی در صدد است هم‌چون گذشته، آینه‌ای باشد در انعکاس تمام نمای فعالیت‌ها، خدمات و خلاقیت‌ها.

در این شماره سعی داریم کارها و نوآوری‌های آموزشی آموزگاری را معرفی کنیم که چهار ده سال در پایه‌ی پنجم و ده سال در پایه‌ی چهارم ابتدایی تدریس کرده است. «حمیدرضا موسی‌زاده» که سال‌ها در مدرسه‌ی فرزندان امام (شاهد) منطقه‌ی ۳ تهران تدریس می‌کرد، از امسال در مدرسه‌ی شهید دانش مشغول به کار شده است. او به «مشاهده» نگاه خاصی دارد و آن را اساس پژوهش می‌داند. طبق همین اعتقاد، به تدریج یافته‌های خود را در سه محور یا طرح پیاده کرده است که طی این گفت‌وگو، نظر خوانندگان عزیز مجله را به جزئیات آن‌ها جلب می‌کنیم.

● آقای موسی‌زاده، دلیل و انگیزه‌ای که شما را به سوی ابداع و ابتکار کشید، چه بود؟

■ در مدارس شاهد، ارتباط اولیا با مشاوران و عوامل آموزشی مدرسه بسیار صمیمی است. برای همین، شناخت مسائل و مشکلات و بررسی راه‌های رفع آن‌ها از طرق گوناگون و حتی مشاهده امکان‌پذیر است. البته این تحقیق، هم در مورد پیشرفت‌های علمی و آموزشی و هم در مورد روحیات دانش‌آموزان، انجام می‌شود. گاه دیده می‌شد که مشکلاتی باعث عدم یادگیری می‌شود. رفته رفته در مورد درس‌هایی هم‌چون تاریخ یا جغرافی، در اثر پی‌گیری و بینش‌هایی که بر اثر مشاهدات مستقیم دست داد، این فرضیه تأیید شد که تصاویر می‌توانند در آموزش بسیار راه‌گشا باشند. پس مجدداً با نظر خواهی و ارزیابی‌هایی که از خانواده‌ها و اهل فن انجام شد، شیوه‌ی جدید انتقال مفاهیم، در درس‌های تاریخ و جغرافی در مدرسه پیاده شد.

● آن شیوه یا ابداع چه بود؟

■ استخراج مفاهیم درس‌های پنجم پایه به صورت ترکیبی به سبک «کلاژ» و به طریق نصب روی در کلاس.

جزئیات درس‌های انتخابی، به این صورت روی درها کشیده و یا الصاق شد و نتایج فوق‌العاده‌ای از لحاظ بازده یادگیری به دست داد.

● این نتایج چه بود؟

■ قبلاً دانش‌آموزان در درس حفظ کردنی مانند تاریخ و جغرافی مشکل داشتند، اما پس از ارائه‌ی این راهکار، نتایج نشان داد که سطح یادگیری بسیار بالا آمده و در حد قابل توجهی است.

● آیا طرح و اجرای تصاویر و کلاژها از شماست؟

■ ایده از من بود، اما طرح را در قالب کلاس هنر و همراه دانش‌آموزان اجرا کردم. آن‌ها نیز کارهایی انجام دادند تا اثر و کیفیت بالاتر رفت. الان همه‌ی درهای کلاس‌های مدرسه‌ی شاهد، مزین به این تصاویرها هستند. من معتقدم که در یادگیری دانش‌آموزان، از هیچ چیز، حتی در کلاس هم، نباید به سادگی گذشت.

● چه قدر زمان صرف این آثار کردید؟

■ در واقع، تحقیق اولیه برای ایجاد اثر، زمان زیادی می‌خواست. به منظور انجام آخرین تابلو، چهار ماه وقت برای مطالعه‌ی چهار کتاب در هزار صفحه گذاشتیم و سپس طرح پیاده شد.

● آیا برای تابلوی درها نام گذاشته‌اید؟

■ بله. در کلاس اول برای درس علوم، عنوان «اطراف ما» انتخاب





شده است که هدف‌های کلی آن آشنایی با گیاهان، آب، سنگ‌ها و جانوران و در ادامه آشنایی با فواید و اثرات آن‌ها بر زندگی انسان است. در واقع، بچه‌ها همه‌ی این‌ها را به نوعی در علوم اول می‌خوانند. در پایه‌ی سوم، عنوان «سفر آقای هاشمی، کازرون به تهران» در درس اجتماعی انتخاب شده است. این تابلو به هدف‌های آشنایی با استان‌ها، محصولات خاص، موضوعات گوناگون تاریخی و اجتماعی، و آشنایی با نقشه‌ی کشور می‌پردازد. هدف‌های جزئی جهت‌یابی، عبور از خیابان و شرکت در مراسم عبادی و مذهبی و غیره را هم پوشش می‌دهد.

در پایه‌ی پنجم، به صنایع و معادن ناحیه‌ی گرم و خشک با حاشیه‌ی «خلیج فارس» اشاره شد. و بالاخره قاب آخر که در درس تاریخ است و «طلوع خورشید اسلام در دوره‌ی ساسانیان» نام دارد. کنار در نیز نامه‌ی پیامبر (ص) به خسرو پرویز نصب شده است.

### این تابلوها چه کار کرده‌ها و نتایجی داشته است؟

■ در درس‌های دیگر مانند ریاضی و علوم هم می‌توان چنین آثاری ایجاد کرد و مسلم است که کار، نتایج آموزشی خوبی در پی خواهد داشت. میزان آسیب رساندن به درها کم شده است، چون اکنون ارزشی بالاتر از یک در معمولی پیدا کرده‌اند و بچه‌ها از آن‌ها مراقبت می‌کنند. ویژگی دیگر اشتغال‌زایی است. یکی از استادان دانشگاه الزهرا اعلام آمادگی کرد تا دانشجویان را در این فعالیت مشارکت دهد. حتی نظر همکاران دیگر را جلب کرده است و آن‌ها هم برای تکمیل آن‌ها نظراتی داده‌اند.

آموزگار کلاس می‌تواند کنار در بایستد و موارد را روی شکل‌ها توضیح دهد. این قاب‌ها هنگام ارائه‌ی درس‌ها توسط دانش‌آموزان در کنفرانس‌ها نیز به کمکشان می‌آید و در حقیقت دانش‌آموزان از این طریق، نوعی پرده‌خوانی انجام می‌دهند.



● اگر می‌شود، در مورد کارکرد هندوانه‌ای که با خود به دفتر مجله آورده‌اید نیز کمی توضیح دهید. یا ابتکار دوم من در درس جغرافیا و درباره‌ی آموزش خطوط

صف‌النهار و مدارها طرح شده است. به منظور ایجاد تصویری ذهنی و ملموس دانش‌آموزان در کی از آن‌ها در قالب مثال ملموس داشته باشند. در درس‌ها، خط استوا و محور قطب‌ها و حرکت‌های انتقالی و چرخشی که نیاز ما به ارائه‌ی مثال را بیشتر می‌کند. بنابراین، دم‌دستی‌ترین شیء یک هندوانه‌ی گرد است که ما را کمک می‌کند. روش کار چنین است که از خطوط روی بدنه‌ی هندوانه، مدارها را توضیح و با وارد کردن این میوه، محور فرضی را نمایش می‌دهیم. به این صورت، با چند برابر آموزش کتاب درسی و به کمک ابزارهای موجود، یادگیری‌ها انجام می‌شود.

# دیوارها سخن می‌گویند

حسن رضا ترابی

آموزگار دبستان، بیرجند

در یکی از روستاهای محروم منطقه‌ی خوسف (از توابع شهرستان بیرجند)، مشغول خدمت بودم. پس از تدریس اکثر دروس، برای این که مطالب درسی جذاب‌تر شود، نکات مهم را در قالب طرح‌های متنوع، رنگی و جذاب، روی دیوار کلاس و مدرسه طراحی می‌کردم تا همیشه در معرض دید دانش‌آموزان باشد و به تعمیق یادگیری آن‌ها کمک کند.

دانش‌آموزان در اوقات فراغت (زنگ‌های تفریح) همراه بازی، مطالب روی دیوارها مانند جدول ضرب را تکرار و تمرین می‌کردند و یا در ساعات جغرافی، ناهمواری‌ها، شهرها و نواحی آب‌وهوایی ایران را از روی نقشه نشان می‌دادند.

علاوه بر مطالب درسی، هر پیام مهم اعم از علمی، مذهبی و نضافتی را نیز روی دیوارها می‌کشیدم و برای تأکید بیشتر می‌گفتم: «بچه‌ها! دیوارها چه می‌گویند؟» بچه‌ها مطالب را با شادی و شغف بسیار می‌خواندند و از خواندن خود لذت می‌بردند. دروسی مانند منظومه‌ی شمس را هم که باید به صورت عملی اجرا می‌شد، در کف حیاط دبستان نقاشی می‌کردم. درست است که تجربه‌ی من به شکل‌های دیگری در بسیاری از مدرسه‌های کشورمان اجرا شده است، ولی فکر کردم که با بیان آن، شاید به آموزگاران تازه کار، به‌ویژه کسانی که در روستاها خدمت می‌کنند، کمکی کرده باشم.

## تلفیق به لهجه‌ی بهبهان

دو تجربه‌ی ساده در تلفیق درس هنر با درس «بخوانیم» و «ریاضیات»

شیدا زارعی

آموزگار دبستان شاهد حریت، بهبهان

• تلفیق هنر با درس آزاد «طبیعت» در کتاب «بخوانیم»

با دانش‌آموزانم هماهنگی به عمل می‌آورم و از آن‌ها می‌خواهم به روش فعالیت گروهی، شاخه‌های خشکیده‌ی درختان، انواع برگ‌ها



• و گویا آخرین نوآوری شما، در قالب یک نرم‌افزار آموزشی و مرتبط به درس جغرافیا طراحی شده است؟

بله. این نرم‌افزار آموزشی «طالیه» نام دارد و حاصل تجارب من در مطالعه و تدریس درس جغرافی ابتدایی است. این ابزار، اطلاعات علمی را با فناوری جدید در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد. روی یک لوح فشرده، فعالیت‌های آموزشی و علمی در چارچوبی جالب و در قسمت‌هایی به صورت زنگ تفریح و بازی ارائه شده است.

زمینه‌ی اصلی کار، نقشه‌ی کشور ما ایران است که می‌توان با یک کلیک و انتخاب در صفحات متعدد این نرم‌افزار، موقعیت ایران در جهان، همسایگان، استان‌ها و دریاها، مناطق آب و هوایی، محصولات و صنایع، ارتفاعات و موقعیت‌های طبیعی داخلی را نشان داد. نمایش بناها و آثار تاریخی هر شهر و استان هم از دیگر ویژگی‌های این سی‌دی است.

امکانات دیگر این لوح فشرده، فرصت یک نشست علمی یا ارائه‌ی درس از طریق گروهی و انفرادی است و در پایان نیز یک فرصت ذهنی برای یادگیری یا تفریح با درس جغرافیا.

آموزگار  
۲۶

دوره‌ی ۱۴ شماره‌ی ۲  
آبان ۸۹



و گل‌ها را از طبیعت اطراف جمع‌آوری کنند و به کلاس بیاورند. سپس تابلوی ماهوتی یا تخته‌ی کلاس را بین گروه‌های گوناگون تقسیم می‌کنم و از آن‌ها می‌خواهم شاخ و برگ و گل‌های آماده‌ی خود را با عنوان چهار فصل (یا یکی از فصل‌های چهارگانه به دل‌خواه)، با تزئینات گوناگون، روی قسمتی از تخته بچسبانند و هر یک از اعضای گروه، جمله‌ای را درباره‌ی درس آزاد بیان کند و سپس همگی آن جملات را در صفحه‌ی خاص کتاب بنویسد.

### • تلفیق هنر با درس ریاضیات

از اعضای گروه‌هایی که در کلاس تشکیل می‌دهم، می‌خواهم که مفاهیم ریاضی مانند تقسیم، شکل‌های

هندسی، انواع زاویه‌ها و... را با جعبه‌های خالی شیر، نی و... روی تخته بچسبانند. برای مثال، در مفهوم تقسیم، جعبه‌های خالی، تعداد دسته‌ها و نی‌های درون آن، اشیای هر دسته را نشان می‌دهند. به این ترتیب، دانش‌آموزان، هنر خود را برای تفهیم درس ریاضی تلفیق می‌کنند. این نشان دهنده‌ی آن است که از خلاقیت دانش‌آموزان می‌توان در قالب هنر بهره‌گرفت و محتوای کتاب‌های درسی را برای آن‌ها جذاب کرد.

# روابط واژگانی

دکتر سید بهنام علوی مقدم

## نگاهی به ارتباط واژگان در کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی

### اشاره

تبیین و تشریح برنامه‌های درسی دوره‌ی ابتدایی برای آموزگاران و طرح پیش‌نیازهای علمی-آموزشی این برنامه‌ها، یکی از هدف‌های اصلی انتشار مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی است. مقاله‌ای که در پی می‌آید، توسط کارشناس گروه زبان و ادبیات دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی نوشته شده است. این مقاله به تشریح مفهوم روابط واژگانی و بیان انواع آن‌ها می‌پردازد. مؤلف معتقد است، واژه‌های زبان به‌منزله‌ی اعضای جامعه‌ی زبانی، مانند اعضای جامعه‌ی انسانی، با یکدیگر روابطی دارند. در این مقاله، برخی از این روابط را که در کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی آمده‌اند مرور می‌کنیم.

### شبکه‌ی معنایی

به مجموعه‌ای از کلمات گفته می‌شود که درباره‌ی یک موضوع هستند و در زمینه‌ای خاص به هم مرتبط‌اند.

#### نمونه:

- زمستان، سرما، برف، آدم برفی، بخاری، یخ‌بندان و سرسره‌بازی.
  - مدرسه، درس، علم، مدیر، کلاس، گچ، ریاضی، ورزش، فارسی، معاون مدرسه، قبولی، تجدیدی و دفتر حضور و غیاب.
  - فداکاری، شجاعت، از خود گذشتن و جان‌بازی.
  - دهقان، مزرعه، آب، کشت و بذر.
- توجه داریم که:
- وقتی می‌گوییم قطار، به یاد واگن، ایستگاه و لوکوموتیو می‌افتیم.
  - وقتی می‌گوییم هواپیما، به یاد فرودگاه، خلبان، باند و پرواز می‌افتیم.

#### نمونه‌ای از پایه‌ی دوم:

- چه چیزهایی می‌توانی بخوانی؟ روزنامه، نامه و ...
- چه کتاب‌هایی می‌توانی بخوانی؟ داستان، شعر و ...
- بدن، شکم، گردن، ... انگشت و ناخن
- باران، شکوفه، فصل بهار، ابر، چمنزار، سبزه، نوز و عمو نوز.
- نقاشی، قلم‌مو، رنگ
- عکاس، دوربین، فیلم

### کلمات هم‌آوا و هم‌نویسه

به کلماتی گفته می‌شود که هم از لحاظ آوایی و هم از نظر نوشتاری یکسان باشند. در ادبیات، به این نوع رابطه، «جناس تام»

نیز می‌گویند.

#### نمونه:

- گور (گور خر) / گور (در معنای قبر)
  - بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر / دیدی که چگونه گور بهرام گرفت
  - شیر (جنگل) / شیر (نوشیدنی)
  - شور (مقابل شیرین) / شور (هیجان)
- #### نمونه از پایه‌ی دوم:
- الف) هر وقت **سیب** باشیم، نباید چیزی بخوریم.
  - ب) **سیب** و پیاز غذا را خوش مزه می‌کنند.
  - الف) در خانه **باز** است.
  - ب) **باز** پرنده‌ای شکاری است.
  - الف) غذا امروز **شور** بود.
  - ب) مردم با **شور** و شادی دور پرچم حلقه زده بودند.
  - الف) **شیر** از حیوانات وحشی است.
  - ب) **شیر** آب را باید محکم ببندیم تا آب هدر نرود.

### کلمات هم‌نویسه

کلماتی که املا‌ی یکسانی دارند، ولی از لحاظ تلفظی و معنایی با هم هیچ ارتباطی ندارند.

#### نمونه:

- کَرَم / کَرَم / کَرَم
- عالم / عالم
- شُکر / شُکر



### نمونه از پایه‌ی دوم:

- گیاه‌خوار، گوشت‌خوار، علف‌خوار.
- خوش‌حال، خوش‌رفتار، خوش‌بخت.
- سردرد، دردسر سرباز، سنگ‌دان، سنگین، سنگ‌ریزه.

### کلمات چندمعنایی

برخی کلمات معنای واحد ندارند، بلکه بسته به جمله‌ای که در آن قرار دارند، معانی متفاوتی به خود می‌گیرند.

#### نمونه:

- (الف) او کودکی را روی صندلی نشانده.
- (ب) او نهالی را نشانده.

### نمونه از پایه‌ی چهارم:

- (الف) علی توپ را گرفت.
- (ب) دلم گرفت.
- (ج) لوله‌ی آب گرفت.
- (د) خورشید گرفت.
- (الف) او با دوستش به رقابت پرداخت.
- (ب) حسن بدهی خود را به فروشنده پرداخت.
- (الف) فرصت از دست رفت.
- (ب) مادرها دست روی دست گذاشته بودند.
- (ج) از دست مأموران سازمان آب کاری برنمی‌آمد.
- (الف) گوش‌های همسایه‌اش سنگین است؛ یعنی همسایه‌اش خوب نمی‌شنود.

- (ب) پلک‌های او سنگین شد؛ یعنی خوابش گرفت.
- (ج) سایه‌اش خیلی سنگین شد؛ یعنی کم‌توجه و بی‌محبت شد.
- (د) با دنده‌ی سنگین حرکت کنید (هنگام رانندگی و در سراسیمگی‌ها می‌گوییم).

● (ه) سبک سنگین کردن؛ یعنی سنجیدن و...

### نمونه از پایه‌ی سوم:

این گونه افعال در عین داشتن ظاهر و شکل یکسان، چند معنی دارند:

### نمونه‌های دیگر:

- (الف) هر چه اصرار کردم دم برنیامورد.
- (ب) هر کشمشی دم دارد.
- (الف) ابوعلی سینا عالم (دانشمند) بود.
- (ب) عالم (دنیا) برای مؤمن صغیر است.

### نمونه‌ی پایه‌ی دوم:

- ما خدا را شکر می‌کنیم.
- در چای شکر می‌ریزیم.

### کلمات هم‌خانواده

کلمات هم‌خانواده، کلمات دخیل از عربی به فارسی هستند که ریشه‌ی فعلی مشترک دارند.

#### نمونه:

- عاشق، معشوق، عشق، عشاق و... (ریشه‌ی فعلی: ع - ش - ق).
- کتاب، مکتوب، کتیبه، کاتب، مکتب و... (ریشه‌ی فعلی: ک - ت - ب).

در زبان فارسی، با توجه به خصوصیات این زبان، هم‌خانواده وجود ندارد، ولی می‌توان به تسامح، کلماتی را که یک ریشه‌ی فعلی دارند و یا به عبارتی از بن عبارتی یا ماضی یا مضارع مشترک تشکیل شده‌اند، هم‌خانواده برشمرد.

#### نمونه:

- تابیدن، تابناک، تابش، تابان، مهتاب، تابیده، شب‌تاب.
  - رفتن، رفتار، رفتنی، آمد و رفت، روش، رفت، رونده، برو، روان و...
  - گوپا، گوینده، گفتن، گفت و...
- بعضی کلمات فقط جزء مشترک دارند، ولی هم‌خانواده محسوب نمی‌شوند.

#### نمونه:

- دل‌انگیز، دلگیر، دل‌نواز، دل‌درد و...
- کتاب‌فروش، کتاب‌دار، کتاب‌خانه و...

- با آگاهی و علم می‌توان به پیروزی دست یافت.
- تلاش بی‌پرده و بی‌ثمر در اثر ناآگاهی و برنامه‌ریزی نادرست است.

● پیروزی و موفقیت در گرو تلاش مداوم است.

### نمونه از پایه‌ی دوم:

- دوست عزیز و گرمی یار و رفیق
- مهربان و با محبت
- او تند می‌رود. او سریع می‌رود.
- ماشین آهسته می‌رود. ماشین آرام می‌رود.
- او از بچه‌ها مراقبت می‌کند. او از بچه‌ها مواظبت می‌کند.
- نمونه از پایه‌ی سوم:
- کوه‌های مرتفع / کوه‌های بلند
- دشت خرم / دشت‌های سرسبز
- دریا‌های وسیع / دریا‌های گسترده
- نمونه از پایه‌ی چهارم:

● آرش با همه‌ی توان کمان را کشید. آرش با تمام قدرت کمان را کشید.

● از آن درخت گردو، تناورتر در جهان نبود. از آن درخت گردو، قوی‌تر در دنیا نبود.

● آغاز، ابتدا، شروع

● رؤیت، دیدن، مشاهده

● مدام، همیشگی

● سعی، تلاش، کوشش

● مهیاء، آماده

### نمونه از پایه‌ی پنجم:

● در برابر مشکلات باید ایستادگی و پایداری کنیم.

● ترس ناپسند و نکوهیده است.

● او کارها را با مهارت و زبردستی انجام می‌دهد.

● ریشه‌ی اصلی ترس‌های نادرست در جهل و نادانی است.

### نمونه از پایه‌ی پنجم:

عربی فارسی

مختصر کوتاه

مشکل دشوار

### کلمات متضاد

دو یا چند کلمه که معنی ضد هم دارند:

● سیاه # سفید

● مرد # زن

● او خیلی افسوس خورد. او غذا خورد.

● توپ به تور دروازه خورد. شیر فریب خرگوش را خورد.

معانی فعل خورد در هر جمله متفاوت است، گرچه از نظر ظاهری یکسان به نظر می‌رسد.

### کلمات چند تلفظی

بعضی از کلمات در فارسی رایج و معیار (رسمی) کشور به دو شکل تلفظ می‌شوند:

#### نمونه:

اَسِمَان ← آ + س + مَان / اَس + مَان

اَسْتَوَار ← اَس + ت + وَار / اَسْت + وَار

یادگار ← یَا + د + گَار / یَاَد + گَار

مهربان ← مِه + ر + بَان / مِهْر + بَان

مستمند ← مُسْت + ت + مَند / مُسْت + مَند

### کلمات هم‌آوا

کلماتی هستند که فقط تلفظ یکسانی دارند، ولی از لحاظ املائی با هم متفاوت‌اند.

#### نمونه:

● خویش / خیش

● خواست / خاست

● خوار / خار

#### نمونه از پایه‌ی پنجم:

● او از جا برخاست. دلش می‌خواست به مسافرت برود.

● هر چیز که خوار آید، یک روز به کار آید.

● خرما نتوان کشت از این خار که کاشتیم.

#### نمونه از پایه‌ی چهارم:

● ارض: زمین؛ عرض: گفتن

● اثاث: وسایل خانه؛ اساس: پایه

● حیات: زندگی؛ حیاط: محوطه.

### کلمات مترادف

به دو یا چند کلمه گفته می‌شود که تقریباً معنای یکسانی دارند و اگر در جمله‌ها به جای هم به کار روند، جمله‌ها تقریباً هم معنی‌اند.

#### نمونه:

● من تلاش می‌کنم. من کوشش می‌کنم. من تقلا می‌کنم.

● ایران سرزمین پهناوری است. ایران سرزمین وسیعی است. ایران

سرزمین گسترده‌ای است.

# یک درخواست یک اتفاق یک روز خوب

عصمت ابراهیمی کوهبنانی

آموزگار دبستان، کوهبنان کرمان

یک روز وقتی داشتم درس پوشش بدن جانوران را تدریس می‌کردم، به پوشش سخت و محکم لاک‌پشت و حلزون اشاره کردم. یکی از دانش‌آموزان ملتسانه گفت: «خانم معلم! لاک‌پشت را فراوان دیده‌ایم، کاش حلزون را هم می‌دیدیم.» درخواست این دانش‌آموزان وادارم کرد در به‌در دنبال حلزون بگردم. روز بعد، وقتی داشتم از میوه‌فروشی خرید می‌کردم، برحسب اتفاق، داخل سبد نارنگی یک حلزون بزرگ دیدم. فکر می‌کنم اگر دانش‌آموزم آن‌طور با التماس از من درخواست نمی‌کرد، این قدر دقیق نمی‌شدم تا حلزونی را در سبد میوه پیدا کنم. حیوان را برداشتم و بعد آن را همراه خودم به مدرسه بردم.

حلزون را روی یک ورق کاغذ گذاشتم و پشت پنجره مقابل نور آفتاب قرار دادم. حلزون بعد از گرم شدن، از صدف خود بیرون آمد و شروع به خزیدن کرد. بچه‌ها یکی یکی از نزدیک حلزون را دیدند. به تمام معنا، یک روز خوب را در مدرسه آغاز کرده بودیم. آن‌ها از شدت خوش‌حالی دست می‌زدند و بالا و پایین می‌پریدند. به پیشنهاد یکی از بچه‌ها، قرار شد حلزون را به کلاس‌های دیگر هم ببریم و به همه‌ی دانش‌آموزان نشان دهیم. آن روز خیلی خوش‌حال بودم، زیرا یک درخواست ساده و یک اتفاق، یک روز خوب را در مدرسه رقم زده بود.

در پایان آن روز، وقتی یکی از دانش‌آموزان پرسید: خانم، حلزوتان را از کجا خریده‌اید؟ و مصرانه از من نشانی محل فروش حلزون را می‌خواست، حیوان را به او دادم و گفتم: «اگر قدری نگاه‌هایمان را تیز کنیم، همه‌ی آن‌چه را که در کلاس‌های درس درباره‌اش سخن می‌گوییم و یا هنگام درس خواندن به آن‌ها نیاز داریم، به راحتی دور و برمان مشاهده خواهیم کرد.»



- زیبا # زشت
- قوی # ضعیف
- بلند # کوتاه

اگر این‌گونه کلمات را جای هم به کار ببریم، معنی جمله عوض خواهد شد.

**نمونه:**

- من یک اسب سفید دارم. من یک اسب سیاه دارم.
- او دانش‌آموز زرنگی است. او دانش‌آموز ضعیفی است.
- حسین شب کار می‌کند. حسین روز کار می‌کند.
- مریم یک زن است. او مرد است.

## موارد دیگر

ابن

کلمه‌ای است عربی که نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی پدر - پسر است.

**نمونه:**

- محمدبن عبدالله / محمد پسر عبدالله
- علی بن ابی‌طالب / علی پسر ابی‌طالب

**نمونه از پایه‌ی پنجم:**

- محمد بن زکریای رازی / محمد پسر زکریای رازی
- حسین بن علی / حسین پسر علی
- جابر بن حیان / جابر پسر حیان

## اسم فاعل عربی

اسمی که بر وزن «فاعل» می‌آید و بیانگر انجام‌دهنده‌ی کار است.

**نمونه:**

- شاعر، قاتل، قاری، کاشف، قاسم و طالب.
- طالب یعنی کسی که طلب می‌کند.
- قاسم یعنی کسی که قسمت می‌کند.
- قاری یعنی کسی که قرائت می‌کند.
- کاشف یعنی کسی که کشف می‌کند.

**نمونه از پایه‌ی چهارم:**

- شاعر یعنی کسی که شعر می‌گوید.
- غافل یعنی کسی که بی‌خبر است.
- ناظم یعنی کسی که نظم می‌دهد.
- عاقل یعنی کسی که دارای عقل است.

# استفاده از مصالح فرهنگی در دسترس!

آشنایی با فعالیت دبستان سروش در منطقه ۲ تهران در مورد به کارگیری مجلات رشد

محمود یحیوی

۸۸ می توان به این پاسخ و سایر مسائل و پرسش و پاسخ‌های در این زمینه دست یافت. نکته‌ی مهم در پرسش‌های دبستان سروش منطقه ۲، تأکید بر عنصر تفکر و پژوهندگی است. به طوری که پاسخ‌دهنده که خود آموزگار است، لازم نیست فقط با زدن علامت و پر کردن خانه‌های خالی، به پرسش‌ها جواب دهد، بلکه باید فعالیتی توأم با تفکر را براساس متن مطلب چاپ شده در مجله انجام دهد. این مدرسه، این فعالیت آموزشی را در مورد مجله‌ی رشد تکنولوژی آموزشی و مجله‌های دانش‌آموزی نیز انجام داده است.

توجه به مباحثی که مورد طرح پرسش قرار گرفته‌اند، برای ما دست‌اندرکاران تولید مجله نیز مهم است و به نوعی نشان می‌دهد کدام مباحث بیش‌تر مورد عنایت آموزگاران قرار گرفته‌اند. مثلاً تمام مقالات دکتر شعاری‌نژاد، سلسله‌مطالب مهارت‌های زندگی خانم دکتر سلیقه‌دار و مطالب کتابی که در دوره‌ی قبل به‌صورت دنباله‌دار چاپ شد (نوآوری در یادگیری با تکالیف درسی خلاق)، در فعالیت‌های هر هشت ماه، سهمی در پرسش‌ها داشته‌اند.

در درون خود، تسری دادن اهداف فوق‌الذکر و ترغیب دانش‌آموزان به همکاری، مطالعه و نوآوری را نیز پوشش می‌دهد.

برای نمونه، وی از مجله‌ی شماره‌ی ۲ رشد آموزش ابتدایی، در (آبان ۱۳۸۸) ویژه‌نامه‌ی قرآن کریم، بهره برده و به طرح پرسش‌هایی اقدام کرده است تا برنامه‌ی «آموزش قرآن کریم در دوره‌ی ابتدایی» را با این سؤال‌ها و پاسخ‌هایی که به فراخور از متن مقالات استخراج شده‌اند، کاربردی و به ذهن معلم‌ها نزدیک‌تر کند.

شما نیز با اندکی دقت می‌توانید به این سؤال‌ها جواب دهید:

۱. اصول حاکم بر آموزش قرآن در دوره‌ی ابتدایی شامل چه مواردی می‌شود؟
۲. در فرایند ارزش‌یابی درس قرآن، کدام اصل از اهمیت بیش‌تری برخوردار است؟ و یا در ارتباط با خودشناسی معلم، می‌پرسد:

«در فرایند حیات‌ی و همگانی تربیت یا آموزش- پرورش، زمینه‌ی اصلی کار معلم چیست؟» که حتماً با مطالعه‌ی مقاله‌ی «خودشناسی معلم» از دکتر علی‌اکبر شعاری‌نژاد در صفحه‌ی ۳۴ همین مجله (آبان

بی‌شک زندگی انسان‌ها به‌نوعی از یکدیگر و یا از طبیعت، بسیار الهام گرفته است. مواد و مصالح فرهنگی نیز می‌توانند الهام‌بخش باشند. یکی از این مواد الهام‌دهنده به‌عنوان منبع در دسترس آموزگاران و مدیران دبستان‌ها، مجلات رشد به‌ویژه رشد آموزش ابتدایی است که در دسترس خانم **زهرا زینلی**، مدیر دبستان سروش منطقه‌ی ۲ تهران نیز قرار گرفته است. ایشان به خاطر انس چندین ساله با مجلات، به این فکر افتاده است که از هشت شماره‌ی مجله، برای هشت ماه مفید تحصیلی طرحی پیاده کند.

این فعالیت یا نوآوری‌ها در قالب طرح سؤال‌ها یا موضوع‌هایی، به ویژگی‌هایی از قبیل نوآوری، مهارت‌های زندگی، تکالیف درسی خلاق، آموزش قرآن دوره‌ی ابتدایی و هدف‌های آن، خودشناسی معلم، آشنایی با کودکان، تثبیت یادگیری، روان‌شناسی کودک، ارزش‌یابی کیفی پیشرفت تحصیلی، برنامه‌ی درسی تفکر‌محور و بسیاری عناوین مطرح‌شده در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی می‌پردازد و نتیجه‌ای که می‌خواهد، رسیدن به رغبت‌انگیزی در آموزگاران، برای همکاری، مطالعه و نوآوری هرچه بیش‌تر است. این هدف